

تشریف فرمائی اعلیحضرت

به کنگره آمریکا (۵)

دستآورد کمک به مخالفان

امیر فیض-حقوقدان

تحریر حاضر دنباله بحث دستآورد کمک به مخالفان جمهوری اسلامی است که آغاز آن در پایان قسمت چهارم حضور داشت.

ابهام اندر ابهام

هرکاری خاصه کار سیاسی آنهم در حد براندازی قدرت حاکم باید از مبانی مستحکم و آشنا و مورد علاقه مردم پشتیبانی شود، خوانندگان محترم این تحریر که از موارد کمک آمریکا به مخالفان جمهوری اسلامی آگاه شدند آیا میتوانند از معلوماتی که در اختیار شان قرار گرفته به این مهم برسند که رهبری عملیات براندازی و یا تحمیل خواستهای مردم به جمهوری اسلامی چه شخصی بوده است؟ آنهم در فرهنگ ایرانی که فرهنگ خاصی است و رهبری اجتماعی و سیاسی از محمل شاه میسببشود؟ در شورش ۵۷ رهبری عملیات آخوند اعظم بود که در موقعیت یک باور عمیق مذهبی قرار داشت. آیا اکنون رهبری عملیات علیه شورشیان کیست؟

جامعه شناسان عقیده دارند که اگر یک هزارم افراد ملتی تحت رهبری یک رهبر مصمم و قاطع و موقع شناس و دلیر علیه حکومت قیام کنند حکومت ساقط میشود. مشروط بر اینکه آن رهبر زمینه های تاریخی و فرهنگی داشته و آشنای مردم باشد.

(از سنگر اول شهریور ماه ۸۳)

*** آیا اکنون با آنکه هزار، هزار افراد ملت ایران مصمم به قیام علیه فرقه تبهکار است، رهبری که دارای زمینه های تاریخی و فرهنگی و آشنای مردم باشد گذاشته اند و میگذارند که در میدان مبارزه حضور رهبری داشته باشد، البته که نه گذاشته اند و نه میگذارند.

*** آیا لازمه ایجاد دموکراسی و رعایت حقوق بشر براندازی حکومت و یا تغییر رژیم است؟ مسلما خیر و آیا خواست های ترویج دموکراسی و حقوق بشر خواست مشهود و معلوم و سابقه دار مردم ایران بوده است؟ مسلما خیر، مسلم و قطعی است که خواست عمومی مردم رفاه و امنیت و کار است که قبل از فراهم

شدن آنها اساساً دموکراسی مفهوم واقعی و اجرایی ندارد (شکم گرسنه دین و ایمان ندارد) خواست مردم تجدید دورانی است که رفاه، امنیت، کار، حق حاکمیت، ملیت ایرانی ایران و احترام جهانی آنها محفوظ بود.

انسانها قاعدتا بدنبال چیزی هستند که داشتند و از دست آنها گرفته اند نه چیزی که نداشته و نمیدانند که چیست.

****** این برداشت به تائید محققین ایرانی و خارجی رسیده است که ایرانیان درشورش ۵۷ با قرارگرفتن تحت تاثیرروابط مذهبی همه امکانات رفاهی و زندگی و کار و آزادی را از دست دادند و همان تحقیقات میگوید که مردم بزودی متوجه این فریب بزرگ شدند و باشعارهائی درمعنای پشیمانی خواستار برگشت از نکبت بسوی سعادت می شدند، آیا این خواست را میتوان ترویج دموکراسی تعبیر کرد؟ مسلماً خیر آیا در تمام ادوار باصطلاح کمک به مخالفان جمهوری اسلامی موردی یافت میشود که توجه آمریکا به بازگشت به دوران پادشاهی ایران باشد؟ البته که خیر، و بیشتر از آنکه بحث توجه سیاسی در این مورد مطرح نیست، بلکه تاکید بر نفی پادشاهی آنها از مسیروزارت خارجه آمریکا مطرح است (طرح هنری پرشت).

پس تخصیص اینهمه بودجه برای ترویج دموکراسی در ایران باچه هدفی بوده است؟

تعجب میکنید که دریاسخ گفته شود تخصیص بودجه و کمک نقدی و بسیاری اقدامات روشن و یا محرمانه فقط برای حفاظت از جمهوری اسلامی و جافتادن آن بوده و هست.

خواننده این تحریر شاهد و ناظر است که آمریکا به معیت انگلستان و آلمان و فرانسه در کمتر از یک هفته زمینه سقوط رژیم سلطنتی ایران را کاملاً فراهم کردند، نظامی با آن قدرت نظامی و اقتصاد شکوفا و حمایت مردمی حال چگونه است که آمریکا و کشورهای اقمار آن ۴۰ سال است مرتباً وضع بودجه میکنند، خواستار تغییر جمهوری اسلامی هستند ولی آب از آب تکان نمیخورد؛ آنها جمهوری اسلامی که خودشان بنا کرده اند.

اسناد سفارت آمریکا یعنی گزارشات وزارت خارجه آمریکا نشان میدهد که هر ایرانی که قصد اقدامی علیه جمهوری اسلامی را داشته و آمریکا را در جریان فعالیت خود قرار داده بسرعت فعالیتش فاش و بوسیله جمهوری اسلامی از بین رفته است، که بخش کوچکی از آن اطلاعات که منتشر شده در رساله گروگان سلطنت گزارش شده است.^۱

آمریکا دروغ میگوید، دشمنی با جمهوری اسلامی تظاهر است، همه تلاش آمریکا حراست و حفاظت از جمهوری اسلامی است که مهمترین آنها جلوگیری از رشد مجدد سلطنت در ایران است.

در سال ۱۳۷۹ نشریه سنگر مقاله ای داشت در شماره ۳۲۶+۳۳۲ تحت عنوان طرح های حفاظت از جمهوری اسلامی که ممکن است آن مقاله به کاملیت اظهار نظر معروضه کمک کند.

۱- تز گروگان سلطنت را در همین وب سایت در حاشیه دست راست بخوانید. ح-ک

برای اینکه این تحریر بدون دلیل و پشتوانه نباشد به این تحریر گویائی بیشتری بدهد، از این شاهد وقوع استفاده میشود.

شاهد وقوع

هنگامیکه طرح سناتور کینگریج تحت عنوان «بی ثبات کردن رژیم اسلامی ایران» بمبلغ ۲۰ یا ۱۸ میلیون دلار در کنگره آمریکا بتصویب رسید و آن طرح اولین طرحی بود که بظاهر باماهیت مخالفت با جمهوری اسلامی براه افتاده بود در ماهیت چیزی جز برای حفاظت جمهوری اسلامی نبود؛ چرا؟

****** هنگامی که طرح کینگریج بتصویب رسید جمهوری اسلامی بشدت بی ثبات ولرزان بود محمد جواد لاریجانی که آن زمان نماینده مجلس اسلامی بود در همان زمان در گفتگوی با روزنامه اخبار گفته بود:

بنای سیاسی کشورما با استحکام فاصله زیادی دارد از اول فکرنمیگردیم که حکمرانی نیازبه زیربنای عقلانی دارد.

آن زمان که محمد جواد لاریجانی چنین حقیقتی را فاش کرد و آن زمان درست مصادف با زمانی بود که آقای کینگریج برای بی ثبات کردن جمهوری اسلامی ۲۰ میلیون دلار بودجه تصویب کرد ۱۷ سال از روی کار آمدن فرقه تبهکار میگذشت؛ که هنوز فاقد ثبات بود، و بقول لاریجانی با استحکام فاصله زیادی داشت. >لاریجانی در آن زمان موقعیت جمهوری اسلامی را در بیانی به یک گروه چریکی تشبیه کرده بود.< (کیهان لندن ۱۴ دیماه ۱۳۷۴)

عنوانی که در همین سال جاری بدرستی و بجا در عبارت فرقه تبهکار از سوی اعلیحضرت برای جمهوری اسلامی انتخاب شده است.

****** آیا کشوری که در مسیری ثباتی هست و آنقدر هم هست که امر برمسئولین کشور هم آشکار شده و در ملاء عام مطرح میکنند؛ چه نیازی برای تخصیص بودجه بمنظور بی ثبات کردن آن کشور است، در آن حالت اگر قصد براندازی آن کشور باشد که باید تخصیص بودجه برای براندازی باشد و یا اگر مساعدت به آن کشور آشوب زده باشد تخصیص بودجه باید برای رفع بحران باشد.

****** آیا بودجه مزبور در جهت حتی شدت دادن به بی ثباتی جمهوری اسلامی بکار رفت و کمکی کرد و یا اصلا کسی فهمید که این بودجه سنگین در آن شرائط چگونه مصرف شد؟

****** آیا حقوق بین الملل و سیاست همزیستی کشورها بر اساس منشور سازمان ملل متحد اجازه میدهد که کشوری مانند آمریکا رسماً بودجه ۲۰ و یا ۱۸ میلیونی برای بی ثبات کردن کشوری که عضو سازمان ملل است بتصویب برساند؟

در همان سالی که طرح ۲۰ میلیونی آقای سناتور گینگریج مطرح شد سنگرمقاله ای داشت تحت عنوان (نعل وارانه) و نوشت: «پس غرض هاست در این نعل که وارونه زدند؛ یعنی وقتی هدف بقای جمهوری اسلامی باشد، که لازمه آن رفع مشکلات و برعکس ایجاد طرح های حفاظتی باشد و از سویی رعایت افکار عمومی جهان هم خود عامل مهمی باشد که چرا آمریکا به کشوری چون جمهوری اسلامی کمک و حمایت میکند دولت آمریکا نعل را وارونه میبندد که بقول مولوی

این بسوزد آن بسوزد ای عجب نعل معکوس است در راه طلب

یعنی با جابجائی واژه **حمایت و کمک با بی ثبات کردن** حقیقت را از جهانیان کتمان میکند.

هدف طرح گینگریج

هدف طرح آقای گینگریج ایجاد فساد در مبارزه ایرانیان علیه جمهوری اسلامی بود و الا چه نیازی به سر فصل مشروح بی ثبات کردن جمهوری اسلامی بود؟ مگر تمام بودجه سازمان سیا که سبب دخالت در امور کشورها میشود تفصیلی است؟ یا تحت عناوین خدمات بشردوستانه و کمک به دموکراسی و امثال آنهاست. میدانید که جمهوری اسلامی مبالغ هنگفتی به سازمان های تروریستی (مقصود شناخته شده از سوی آمریکا) کمک میکند آیا موردی دیده شده است که در بودجه دولت جمهوری اسلامی ذکر مورد شده باشد؟

****** تخصیص بودجه برای بی ثبات کردن جمهوری اسلامی داروی تسکین و مقاومت مردم است بودجه مزبور دلیلی است بر اینکه نابسامانی های کشور نتیجه دخالت رسمی آمریکا و پول آن کشور است و الا اگر دخالت آمریکا نبود، مردم ایران با دشواریهای کنونی مواجه نبودند و این امر سبب مقاومت مردم و حمایت بیشتر از جمهوری اسلامی شد که دیدیم هم شده است.

نمیتوان گفت همه مردم کشورها ولی میتوان به جرات گفت که مردم کشور ما تمام مراتب سختی و فلاکت را با جان دل میپذیرند تار فاهی که با بسته بندی کشور بیگانه باشد.

کهن خرقة خویش پیراستن به از جامه عبارت خواستن

تشبیه برای رسوب

روابط و تنش های سیاسی بین آمریکا و جمهوری اسلامی رامیتوان تشبیه کرد به محوطه ای که در آن حیوانات وحشی و اهلی میچرند و می زیند و درکنار آن محوطه، مردان مسلح دیده میشوند (در تطبیق آمریکا) که باصطلاح مراقب آن محوطه اند نگاه سطحی بما میگوید که آن مردان مسلح برای حفاظت از آن حیوانات اهلی در مقابل تهاجم حیوانات وحشی در آنجا جمع شده اند ولی باطن قضیه آن است که آن مردان برای حفاظت از آن حیوانات وحشی (تطبیق جمهوری اسلامی) آنجا جمع اند و حقوق میگیرند.

ما به ظاهر کلمات و عبارات شخصیت های آمریکائی وحتى سران جمهوری اسلامی نگاه میکنیم و فکر میکنیم که واقعا آمریکا مخالف جمهوری اسلامی است ولی حقیقت قضیه چیز دیگری است که در یک کلمه حفاظت از جمهوری اسلامی منهای تیره های وابسته به اصولگرایان است.

آشنائی با هدف آمریکا

آمریکا ابدًا با بقای جمهوری اسلامی مخالف نیست و از ابتدا هم نبوده که بنا کننده آن است؛ بلکه با سیاست ضد آمریکائی جمهوری اسلامی مخالف است یعنی کوشش دارد که مدیریت جمهوری اسلامی با مردانی باشد که میانه رو و قابل ممانعت با کشورها و بیشتر با ایالات متحده آمریکا باشد، حقیقت بالا را آقای الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا رسماً اعلام داشته است.

آقای هیگ وزیر خارجه آمریکا در تاریخ ۵/۸/۶۰ گفت: «سیاست خارجی آمریکا موجب روی کار آمدن یک رژیم میانه رو خواهد شد».

بتاریخ اظهار نظر آقای هیگ نگاه کنید حقیقت بزرگی را در آن مییابیم و آن اینکه از همان سالهای نخست پیروزی شورشیان دولت آمریکا باهدف استفاده از نیروهای میانه رو در انتظار روی کار آمدن میانه روها بوده است.

اظهارات آقای هیگ در کمال صراحت هدف آمریکا در دخالت در امور ایران و بیشتر تظاهر به کمک مخالفان جمهوری اسلامی را روشن میکند، در تمام اسناد تحقیقی که مورد بررسی تحریرات قرار گرفته سخنی به این روشنی و سادگی در بیان حقیقت کمک آمریکا به مخالفان جمهوری اسلامی دیده نمیشود و این صراحت در حالی است که بموازات اعلام طرح آقای گینگریچ در بی ثبات کردن ایران یکی از شخصیت های اطلاعاتی آمریکا در کنگره آمریکا اعلام کرد.

«ما نمیتوانیم به گروه های مخالف دولت ایران اعتماد کنیم و منابع خوب هم غیر ممکن بنظر میرسد».

(عصر امروز سرمقاله ۲۱ آذر سال ۷۴)

آقای الکساندر هیگ وزیر خارجه آمریکا تنها در مورد مزبور نیست که حقیقتی را که برخلاف نمایش سیاسی آمریکا بوده است فاش کرده مورد دیگر ماموریت ژنرال هایزر به ایران بود که او بود که پرده از ماموریت مخفی هایزر برداشت.

*** اساساً با قاطعیت میتوان گفت که از زمان شورش ۵۷ آمریکا روی جناح میانه رو که همان جبهه ملی و نهضت بازرگان بوده است حساب گسترش نفوذ خود را باز کرده بود.

*** سندی که اکنون ملاحظه خواهید کرد در اسفند سال ۵۷ در اسناد سفارت آمریکا منتشر شده است در

این سند نوشته شده «سیاست آمریکا نسبت به ایران در دو بخش کوتاه مدت و بلند مدت قابل تقسیم است در کوتاه مدت تا قبل از تشکیل دولت جدید ما میخواهیم تمام مسائل گذشته حل و فصل شود و در بلند مدت سیاست این کشور این است که میانه روها بر سر کار بیایند و ناسیونالیست های مخالف مذهب تسلط بیشتری در اداره کشور داشته باشند».

در اسناد سفارت آمریکا آمده است:

> ما باید مسئولانه عمل کنیم و بازارکان را قدرت بدهیم و مطمئن باشیم که در آینده در ارتش دوستانی خواهیم داشت که میتوانند مشکلات سیاسی ما را راه گشا باشند.<

(اسناد سفارت جلد سوم صفحه ۱۶)

****** در سوم اوت سال ۱۳۸۴ خانم شیرین هانتر مقاله ای بوسیله مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه جرج تاون بخش خاورمیانه در نیویورک تایمز منتشر ساخت که بسیار قابل توجه بشمار رفت؛ او نوشته بود > ملامهای میانه رو مورد حمایت قرار گیرند و غرب روی آنها سرمایه گذاری کند، تا آنها بعد از خمینی یک ایران امن و ثابت بوجود آورد.<

(مشروح و ملاحظات آن درسنگر ۱۷۵+۳۳۲)

اشارات بالا برای چیست

توسل و استناد به مدارک اشاره شده برای تحصیل این دریافت است که سیاست آمریکا از قبل از شورش ۵۷ تاکنون که استفاده از ملامهای میانه رو و در اصطلاح سیاسی جبهه ملی و نهضت آزادی بوده هیچ تغییری نکرده است؛ و از آنجا که بعثت گذشت زمان از افراد جبهه ملی و نهضت بازارگان کمتر ممکن است بشود استفاده کرد گروه اصلاح طلبان که بعنوان ملامهای میانه رو شناخته میشوند هدف واقعی آمریکا استفاده از آنهاست.

نویسنده این تحریرات معتقد است که تمام فعالیت های ایرانیان خارج از کشور از فعالیت های منتسب به رضا پهلوی و مجاهدین خلق و چپ ها و حتی مذهبی های خارج از کشور همه و همه در جهت ایجاد مشروعیت برای همکاری و حمایت آمریکا از اصلاح طلبان داخل کشور است؛ و در این راستا سلطنت طلبان بزرگترین قربانی ادامه فرقه تبهار خواهند بود.

اینکه می بینید که کار بسیار کند و با مسامحه جلو میرود باید بدانیم که سیاست آمریکا این چنین تعاملی را لازم میدانند.

در دیماه سال ۸۲ آقای ریچارد پرل از اعضای پنتاگون نوشت: سیاست واشنگتن برای تغییر حکومت ایران بقوت خود باقی است، تنها اشتباه ما در تیرماه سال جاری، تصور سقوط سریع توسط تظاهرکنندگان اجیر شده و هدایت شبکه های تلویزیونی و ماهواره ای مخالف در آمریکا بود، اما هم اینک سیاست تغییر رژیم از شکل آنی و سریع به یک روند طولانی مدت تبدیل شده است* معتقدیم دانشجویان اصلاح طلب و شبکه های تلویزیونی ماهواره ای دو ابزار اصلی ما برای سرنگونی و تعیین حکومت ایران و کشاندن مردم به خیابانها می باشند.

*** روند طولانی**

روند طولانی در عبارت ریچارد پرل از اعضای پنتاگون همان ضرب المثل خودمان است که میگوید:

«من که دارم میرم چراهولم میدی»

جمهوری اسلامی با انتخاب خاتمی مسیر حرکت بسوی آمریکا را انتخاب کرد ولی به آن سرعتی که آمریکا تصور میکرد حرکت جمهوری اسلامی بسوی آمریکا واقعیت نیافت و همانطور که ملاحظه دارید این حرکت موکول به روند طولانی شد و با انتخاب احمدی نژاد وقفه ای در حرکت ایجاد شد ولی نتوانست حرکت را سد کند با انتخاب روحانی که بهترین فرد برای همکاری با آمریکا و تسلیم ایران به آن کشور است موج حرکت بسوی آمریکا شدت کاملاً محسوسی یافت و با انتخاب مجدد او جناح اصلاح طلب که در واقع جانشین همان جبهه ملی و نهضت آزادی است عملاً خط قرمزهای سابقه را شکست و با جبهه اصولگرایان که در حمایت سیاسی انگلستان و روسیه قرار دارند آشفتگی فکری و گفتاری پیدا کرد.

عبارات شعاری روحانی به اینکه آشتی کردن با دشمن نیاز به شجاعت دارد، علامت آشکاری است که روحانی و دولت او در مقام ایجاد روابط سیاسی با آمریکا و حتی اسرائیل میباشند.

تصور نشود که خامنه ای با چنین سیاستی مخالف است؛ خیر... کاملاً همراه است و در تحریرات قبلی تقدیم استدلال شده است. منتها خامنه ای نمیخواهد که فصل قطع روابط سیاسی و دشمنی با آمریکا در زمان حیات او صورت گیرد و این همان تدبیری است که حافظ اسد در سوریه با آن مواجه شد یعنی کاملاً شرائط برای برقراری صلح بین اسرائیل و سوریه مغتنم و مهیا بود ولی حافظ اسد بخاطر پرستیژ سیاسی و اینکه آگاه بود که عمرش تمام شده است تن به مذاکره صلح با اسرائیل را نداد.

خامنه ای بود که مسیر مذاکره با آمریکا را از طریق برجام و دولت عمان فراهم ساخت والا همه میدانند که روحانی کسی نیست که بدون موافقت خامنه ای بتواند این چنین از آمریکا و برجام طرفداری کند.

موفقیت آمریکا

این تحریر ناقص است اگر اشاره ای به موقعیت آمریکا در رابطه با جنگ احتمالی با جمهوری اسلامی نداشته باشد.

ضرب المثلی است که میگویند: «برای شکاریک گنجشک گلوله توپ رها نمیکنند» موفقیت آمریکا در روابط سیاسی با ایران در حدی غیرقابل تصور است، رئیس جمهور و وزیر خارجه و رئیس فعالیت های اتمی ایران از عوامل آمریکا هستند و یا حداقل منافع ایران را در نزدیکی کامل با آمریکا و اسرائیل میدانند.

(اظهارات ظریف در روزهای نخست وزارت) مجلس اسلامی یکدست از نمایندگان اصلاح است؛ مردم به اصلاح طلبان به ادعای رژیم ۲۳ میلیون رای داده اند؛ مفهوم این رای نهی جناح خامنه ای و تانید همکاری با آمریکاست؛ ایرانیان خارج از کشور مستقیم و یا غیرمستقیم به حرکت سیاست مداخله جویانه آمریکا در امور ایران مشروعیت و مقبولیت میدهند؛ آمریکا باید خیلی احمق باشد که برای نابود ساختن قدرت خامنه ای از جنگ استفاده کند، همان طور که آقای ریچارد پرل آمریکائی اظهار نظر کرده صبر و صرف مدت حلال مشکلات با ایران است و نیازی به جنگ که نه آمریکا آمادگی آنرا دارد و نه مصلحت جهان است نیست.

آیا خواننده این تحریر میتواند کسی را از ایرانیان خارج معرفی کند که هم ۲۸ میلیون رای بیاورد و هم سکان سیاسی و اقتصادی کشور را در دست داشته باشد و هم مجلس به حمایت او قرار گیرد و هم نوکرمطیع اراده آمریکا باشد؛ و از همه مهمتر مردم هم خیال میکنند که او کسی است که آزادی و امنیت و رفاه خواهد آورد؟ آمریکا هم از این تشخیص غافل نیست و این دستاورد بزرگ را بامب از دست نمیدهد آمریکا ۱۴ سال است روی روحانی کار کرده است به این سادگی این مهره را از دست نمیدهد.

حاشیه مربوط به متن

تحریر بالا در راستای سیاست آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی براساس اسناد و اظهارات شخصیت های آمریکائی تهیه شده و از احتمال مقاومت و یا اقدام تهاجمی سیاست های روسیه و انگلستان در منطقه فاقد ملاحظات است.

ناتمام است: شور گفتار چوبرخواست توقف نکند اهل مقام